

فلسفه فیدرو داستایوویسکی در مورد مخلصه انسانی

=====

چکیده از مطالعه دوست فرهیخته، داکتر اباسین محبی در مورد فلسفه داستایوویسکی در این هیچ شکی نیست که داستایوویسکی نویسنده و داستان نویس بزرگی بود که بیشتر آثار او همانند خودش روایتی از مردمی است عصیان زده، زیرا زنده گی خصوصی داستایوویسکی فراز و نشیبی زیادی داشت از سرگردانی آوان جوانی شروع تا قرضداری، قمار بازی و فرار از قرضداران تا محکومیت به اعدام همه را در بر میگیرد. با این حال، ممکن است جای دادن او در رده فیلسوفان، عده یی زیادی را متحیر و متعجب سازد

فیلسوفان بسیاری هستند و بوده اند که با استفاده از سبک مقاله نویسی و رساله نویسی فلسفه ورزی نموده اند، اما فلسفه ورزی در داستان ها نه تنها ممکن است بلکه داستان نویسان بزرگ در برخی موارد می توانند با آثار داستانی به شکل بهتر و موثرتر فلسفه ورزی کنند. در این میان، داستایوویسکی در آثار خود از جمله در کتابی زیر نام (برادران کارامازوف) در قرن نهم و آلبر کامو با اثر معروف اش به نام (طاعون) در قرن بیستم دو نمونه یی بارزی اند که به گونه بسیار ماهرانه یی در داستان نویسی، فلسفه ورزی نموده اند

فیلسوفان به سه دلیل باید رمان های داستایوویسکی را بخوانند

نخست: اینکه؛ دل مشغولی او مسایل فلسفی بود یعنی پاسخ به سوالات فلسفی و حل مسایل فلسفی و برای همین او را می توان در رده فیلسوفان جای داد او در جریان زنده گی پر رنج و فراز و نشیب اش می خواست به دو سوال بنیادی پاسخ بدهد الف: مخلصه انسانی چیست؟

ب: چگونه با این مخلصه زنده گی کرد؟

سوال اول داستایوویسکی را در گیر ژرف اندیشی متافیزیکی در باب اختیار، ماهیت ذات فردی و وجود خدا و سوال دوم او را به حوضه یی اخلاق و ابر اخلاق می کشاند، مسأله اساسی اخلاقی که او را مشغول می سازد موضوع آزادی انسان است، چنان آزادی که با امکان های ویرانگر همراه است، در واقع او نسبت به آزادی انسان و اضطراب های ناشی از آن، نگرانی زیادی داشته است. پس باید نیروی محدود کننده یی یافت که بتواند با این آزادی سازگار باشد داستایوویسکی در تلاش خود برای حل این مسأله در کتاب (برادران کارامازوف) عالیت ترین بحث را در باره شر عرضه کرده است؛ او عقیده داشت که شر طبیعی که فیلسوفان به آن عقیده دارند، وجود خارجی ندارد یعنی اینکه مسبب شر انسان ها نیستند، بلکه این وضعیت بستگی به شرایطی دارد که انسان منحیث موجود آزاد با حق اختیار و اراده در بستر آن قرار می گیرد

فیلسوفان معمولاً شر را به دو دسته تقسیم می کنند

شر انسانی یا اخلاقی

و شر طبیعی

دسته اول شامل اعمالی می شود که از دست انسان سر می زند مانند قتل و شکنجه و دسته دوم ناشی از مسایل طبیعی مانند بیماری ها و فاجعه های طبیعی است که در اختیار انسان قرار ندارد

دوم: اینکه؛ آثار داستایوویسکی و خود او در مباحث فلسفی اهمیت دارند زیرا بر دیگر فیلسوفان تاثیر گذار بوده است و از همین رو، او را معمولاً در رده فیلسوفان اگزیستنسیالیست قرار داده اند

چنانچه والتر کافمن فیلسوف آلمانی الاصل امریکایی، کتاب (یادداشت های زیر زمینی) داستایوویسکی را بهترین پیش درآمد بر اگزیستنسیالیسم در همه یی دوره ها می داند

از سوی هم، فردریش نیچه با مطالعه کتاب (یادداشت های زیر زمینی) داستایوویستی، چنان زیر تاثیر او قرار می گیرد که پس از خواندن این اثر تنها دو سال سلامت عقل داشت اما تاثیر این نویسنده بر نیچه بسیار ژرفا بود که حتی خود نیچه این مسأله را نمی دانست، زیرا در اثری معروف اش (سپیده دم) به طور واضح و آشکارا، پیدا است که در مسیر داستایوویسکی قرار گرفته است. در این اثر چنان پیدا است که نیچه، برای روشن تر ساختن، نیرومند تر نمودن و شگرف تر کردن مباحث خود، راهی بهتری یعنی داستایوویسکی را پیدا کرده است و سوم: اینکه؛ رمان های داستایوویسکی پر از نقد های جدی بر دیدگاه های فلاسفی و دینی است. داستایوویسکی وحدت ذات فرد، دفاع عقلانی از اعتقاد به خدا و دفاع از اخلاق به اساس عقل و منطق و حتی اعتبار خود عقلانیت را مورد تردید قرار می دهد.

در سوی دیگر اما، بعضی فیلسوفان مانند افلاطون، هیوم و بارکلی تزهای شان را در قالب محاوره می نوشتند، همچنین فیلسوفان قرن نهم نیچه و سورن کی ایرکه گارد تزهای شان را در قالب های غیر سنتی متفاوتی آزموده اند اما بیشتر فیلسوفان در قالب رساله و مقاله، فلسفه یی شان را عرضه نموده اند در قرن نهم سارتر هم در قالب های متفاوتی تزهای خود را نوشته است، یعنی با استفاده از نمایشنامه ها، رمان ها، مقاله ها و رساله های فلسفی به همین ملحوظ او به حیث فیلسوف شناخته می شود. اما برخی هایی دیگر مانند آلبر کامو و آیین رند که به سوال های فلسفی علاقه داشتند کمتر کسی آنها را در رده فیلسوفان به حساب می آورند. در این مرحله، برای توضیح و بررسی بیشتر پاسخ داستایوویسکی در پیوند به پرسش هایی بالا از جمله: ۱. مخلصه انسان چیست؟ و ۲. چگونه با آن زنده گی کرد؟ که در کتاب (برادران کارامازوف) آمده، بحث را ادامه می دهیم مخلصه و گرفتاری انسان چیست؟

پاسخ او در پنج مدعا خلاصه شده است

اول: همه چیز به غیر از انسان، کامل و بری از گناه است

دوم: انسان ها اراده آزادی در معنای اختیار گرایانه شان را دارند و این گرانبها ترین چیز است

سوم: آدم های مسن و بزرگسال پیچیده اند و انگیزه یی متضادی در وجود شان است، یعنی طبع های گسترده و بی مهار دارند که می توانند هر گونه افراطی را در خود جا دهند

چهارم: برخی از این انگیزه های که در درون انسان ها وجود دارند انسان را به سمت گناه سوق سو می دهد، یعنی در هر انسان یک جانور وحشی لانه کرده است که او را به سوی شرم می کشاند

:چنانچه مولانای بزرگ در این مورد گفته است

ساعتی گرگی درآید در بشر

ساعتی یوسف رخی همچو قمر

پنجم: در دیدگاه او، اما کودکان بری از گناه اند

:داستایوویسکی در پاسخ به پرسش دوم چنین نظر می دهد

اول: ما با توجه به حکم مسؤول اعمال خود استیم

دوم: یک قانون اخلاقی کلی و عام بستگی به اعتقاد انسان به خدا و جاودانگی وجود دارد. برای داستایوویسکی مسلم شده است که فقط خدا می تواند پشتوانه یی قانون اخلاقی مطلق باشد و وعده جاودانگی این امکان را پیش می آورد که با فضیلت و تقوا سرانجام پاداش را در می یابد

از نظر داستایوویسکی یکی از مهمترین چیزها این است که از آزادی مان درست استفاده کنیم او نتیجه می گیرد که برای پیدا کردن معنای درست زنده گی و یافتن پشتوانه یی برای قوانین اخلاقی مطلق ما باید به خدا رو بیاوریم و تسلیم به عشق خداوند شویم

او در عرصه عملی جزئیات این مسأله را که چگونه رفتار شود چنین توضیح می‌دهد
اول: خودمان را از دیگران جدا نسازیم و منزوی نشویم
دوم: دیگران را دوست بداریم خصوصاً آنهایی را که بیشتر گناه می‌کنند چون آنها بیشتر از همه به عشق و مهربانی نیازمند
اند.

سوم: در قبال هر کسی احساس مسئولیت کنیم
چهارم: فروتن باشیم چون بهتر از کسی دیگر نیستیم و دیگران را داوری نکنیم، بلکه خودمان را داوری کنیم
پنجم: راستگو باشیم
ششم: و سرانجام ما باید زمین و هر آنچه در طبیعت است را دوست بداریم
داستایویسکی برای شخصیت سه مورد را قایل می‌شود که با نظر افلاطون و فروید تفاوت اندکی دارد، این سه مورد عبارت است از:
شخصیت شهوانی
شخصیت عقلانی
و شخصیت روحانی

این نظر داستایویسکی جالب است که می‌گوید کودکان معصوم اند و از برخی جهات رهنمای خوبی برای ما اند، جالب است
که در تکامل ابر انسان نیچه هم والاترین مرحله همین کودکان است که دوره بی معصومیت و فراموشی می‌باشد
در نهایت می‌توان استدلال کرد که داستایویسکی به ارزش‌های مطلق باور دارد و می‌گوید که همه باید به این ارزش‌ها باور
داشته باشند و اگر آن را از میان برداریم باید در برابر آن بهای گزافی بپردازیم، چون اگر ارزش مطلق را نپذیریم همه چیز
مجاز خواهد بود؛ این عبارت‌های داستایویسکی در آثار جامعه‌شناس معروف جهان اسلام داکتر علی شریعتی نیز قابل
درک است.

و سوسه انگیزترین بخش فلسفه داستایویسکی این است که اگر ما آن نوع آزادی و اختیار داشته باشیم که او گمان دارد،
می‌تواند تصویر خیالی از جهان باشد. ما می‌توانیم دیگران را دوست داشته باشیم، بذری آن را کشت کنیم و منتظر باشیم که
ریشه بدواند، پس چی داریم که از دست بدهیم؟ غرورمان